

### متن پرسش

با سلام بر شما: بنده با مطالعه تفکرات سوفسطائیان و ایده آلیست ها و فلسفه غرب از دکارت به بعد و اشکالات آنها دچار نوعی شک شدم که با مطالعه و پیگیری و تفکر، پاسخ های قانع کننده ای در جواب اینگونه شکاکیت ها بدست آوردم که می توانستم اشکالات آنها را جواب بدم و شک را بر طرف کنم، با این وجود با اینکه از جانب تفکرات و استدلال های آنها دیگر شکی ندارم، اما یک شک و القا فکری عجیبی بدون دلیل و بی مورد به بنده می شود که از کجا معلوم که عالم خارج ذهنی نیست و چون این فکر ناخواسته بدون دلیل و استدلال و بدون منطق است و هی اصرار دارد بنده را در تحیر و ناراحتی و آزار فرود برده و برای خودم عجیب است که چرا بعد اون همه استدلال یقینی به شبهات ایده آلیست ها و رفع شک ها چرا دچار این القا بی منطق و مصر شده ام و بنده را در موضع ضعف قرار داده، البته با ادراک بدیهیه خودم پاسخ این فکر آزار دهنده را می دهم و می رود، اما باز دوباره میاد، احساس می کنم شیطان داره به من این فکر را القا می کنه تا من رو اذیت کنه و از مسیر اصلیم دورم کنه و مشغول این وهم القایی شوم، اما قدرت نفسم زیاد نیست تا بتونم بر این حالت غلبه کنم، میدونم که این یک مکر و حيله از طرف شیطانیه تا منو مشغول افکار پوچ کنه، استاد لطفا بفرمایید به خودم چه بگویم و چه القایی کنم که تاثیر این القاها را از بین ببرم، لطفا راه کاری به بنده معرفی نمایید تا از شر این کید شیطان رها شوم و بتوانم به مسیر پیش رو که ان شاءالله معرفت النفس و معرفت اهل البیت هست برسم، متشکرم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: تنها راه، مشغول کردن خود به امور علمی است. پیشنهاد مطالعهی کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» را دارم. موفق باشید